

جعفری ساییان
غزینگ تاریخ پاونغ آدب فارسی

سروده های رودکی

پروردگار

علی روانی

سروده های رودکی

پژوهش

علی رواقی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۹

بایاد
بی

آن یار مهران

استاد جمشید مظاہری (سرودشیار)

سروده‌های رودکی

بژوهش: علی رواقی

مدير فني چاپ: حسین میرزا حسیني

حروف‌چيني و صفحه‌آرایي: مؤسسه فرهنگي شهید محمد روaci

چاپ آول: ۱۳۹۹

شمار: ۵۰۰ نسخه

قيمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

چاپ: آبرنگ توين

صحافي: فرد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۷۳-۱

ISBN: 978-600-8735-73-1

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقاني، بعد از ايستگاه مترو، بلوار دكتور

حسن حبيبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسي

مندوقد پستي: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴

دورنگار: (۰۲۱) ۸۸۶۴۲۵۰۰؛ تلفن: (۰۲۱) ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

www.apll.ir

وبگاه:

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نويسی پيش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ايران

سرشناسه روaci، علی، ۱۳۲۰ -

عنوان و نام پدیدآور سروده‌های رودکی‌نویسنده علی روaci.

مشخصات نشر تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسي، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهوري ۸۴۳ ص.

فروشت

فرهنگستان زبان و ادب فارسي؛ ۲۲۳.

شابک ۹۷۸-600-8735-73-1

وضعیت فهرست‌نويسی فيبا

يادداشت

كتابname: ص. ۷۲۹.

موضوع

روديکي، جعفر بن محمد، - ۳۲۹ق. -- نقد و تفسير

موضوع

Rudaki, Ja'far ibn Mohammad -- Criticism and interpretation

موضوع

شعر فارسي -- قرن ۴ق. -- تاريخ و نقد

موضوع

Persian poetry -- 10th century -- History and criticism

موضوع

فرهنگستان زبان و ادب فارسي

شناسه افzوده

شناسه افzوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویني

شماره کتاب‌شناسی ملی

۶۱۴۷۲۴۶

بایاد برآدم
محمد

با صبا در چمن لاله سرگفتیم
که شهیدان که اند این بهه خوین کفنان؟

فهرست

آغاز سخن	۱
مقدمه	۲
سیزده	۳
شیوه پژوهش	۴
بیت و سه	۵
نگاهی به چاپ‌های دیوان رودکی	۶
بیست و هفت	۷
سروده‌های رودکی	۸
۱	۹
قصیده، غزل، قطمه	۱۰
۳	۱۱
رباعیات	۱۲
۴۰	۱۳
ابیات پراکنده	۱۴
۴۴	۱۵
ابیات بازمانده از منشی‌ها	۱۶
۶۹	۱۷
سروده‌های منسوب به رودکی	۱۸
۹۴	۱۹
یادداشت‌ها	۲۰
۱۱۹	۲۱
نگاهی به پژوهش‌ها	۲۲
۶۱۳	۲۳
نمایه‌ها	۲۴
۶۶۱	۲۵
نمایه سروده‌های رودکی	۲۶
۶۶۳	۲۷
نمایه سروده‌های رودکی در بخش یادداشت‌ها	۶۸۵
۶۸۵	۶۸۶
نمایه واژه‌ها و ترکیب‌ها	۶۹۷
۶۹۷	۶۹۸
نمایه واژه‌های پهلوی	۷۱۷
۷۱۷	۷۱۸
نمایه واژه‌های سقدی	۷۱۹
۷۱۹	۷۲۰
نمایه نام‌ها و جای‌ها	۷۲۱
۷۲۱	۷۲۲
کتابنامه	۷۲۳



آغاز سخن

خوب به یاد دارم در دانشکده ادبیات مشهد، روزی را که یکی از استادان نامدار ما می خواستند دیوان رودکی را برای ما بخوانند و دشواری های این متن را برایمان بگویند و ضمناً به ما بیاموزند که چگونه باید از فرهنگ های فارسی بهره برد. در کلاس نشسته بودیم که استاد وارد شدند سه یا چهار تن از کارمندان کتابخانه و دانشکده، هر کدام با یکی یا دو دوره فرهنگ در بغل آمدند و کتاب ها را روی میز استاد گذاشتند.

میز استاد بر روی سکویی قرار داشت که از کف اطاق حدود سی سانتیمتر بلندتر بود، استاد پشت میز نشستند و از بیت اول دیوان رودکی، چاپ سه جلدی مرحوم نفیسی، آغاز کردند و خواندن و برای یافتن واژه ها به فرهنگ ها مراجعه کردند و برای ما چند بیت را گفتند، کلاس تمام شد و ما حدود هشت و حداقل ده بیت را خوانده بودیم.

آن روز به من سخت گذشت و ادامه این درس به این صورت، بسیار دشوار بود، دو گانگی عجیبی پیدا کرده بودم، هم دلم می خواست که رودکی را بخوانم و بیاموزم و هم می خواستم که این کار هرچه زودتر به سامان برسد، از این روی در پایان درس اجازه گرفتم و به استاد گفتم: «اگر قرار باشد که ما رودکی را به این صورت که امروز خواندیم، بخوانیم، در حدود صد جلسه طول می کشد و طبعاً نمی رسمیم که این کار را...»

استاد نگذاشتند که سخن من به سرانجامی برسد، با اندکی تندی و شاید خشم، که از ساخت ایشان دور می نمود، گفتند: «پس خود شما همه کتاب را بخوانید و لغات آن را بیرون بیاورید و در دفتری بنویسید و به ما بدھید.» همین و حرفی دیگر نزدند

و رفتند.

بنچار در برابر کاری قرار گرفتم که هنوز که هنوز است دشواری و سنگینی آن را حس می‌کنم.

روزها می‌گذشتند و من با رودکی و دشواری‌های واژگانی دیوان کوچکی که از رودکی مانده است، دست به گریبان بودم. با این همه، جانزدم و به اصطلاح ترس و رم نداشت و مشتاقانه هر شب، دست‌کم ده پانزده بیت از رودکی را زیر و رو می‌کردم و لغت‌های ویژه آن را در فرهنگ‌ها می‌کاویدم، برخی را می‌یافتم و پاره‌ای را پیدا نمی‌کردم.

در پایان کار آن دفتر و کتابچه را که بر پایه فرهنگ‌های در دسترس آن روزگار، فراهم شده بود، به خدمت استاد بزرگوارم برم و به ایشان سپردم.

از این روی اندیشه فراهم آمدن دشواری‌های سرودههای رودکی را، از آن سال‌های دور دریاد داشتم. در سال ۱۳۹۶ که به دعوت دانشگاه اصفهان به این شهر رفته بودم، در دیدارهایی که با دوست دیرین و نازنینم استاد جمشید مظاہری داشتم، سخن از کارهایی شد که در دست آماده‌سازی دارم و طبعاً سخن از رودکی رفت و استاد به این کار سخت اشتیاق نشان دادند، به تهران که آمدم، شبی استاد از روی لطف برای پرسیدن حالم تلفن کردند و باز هم سخن به رودکی رسید. خوب به یاد دارم که ایشان گفتند که «خیلی دلم می‌خواهد که این کار شما را ببینم».

افسوس و هزار افسوس ...

دریغم آمد که این کتاب را به آن یارِ عزیزِ سفر کرده، تقدیم نکنم.

یاد و نام و کوشش‌ها و پژوهش‌هایش هماره پایدار و ماندگار باد.

آماده سازی کتابی که با نام سروده‌های رودکی در پیش روی شماست نزدیک به دو سال روزگار گرفت.

در تنظیم یادداشت‌هایی که برای این متن فراهم کرده بودم همکاران این بنیاد همچون همیشه یاریگرم بودند. در کنار آن از دوستان کوشای توانمند آقایان استاد جویا جهانبخش، دکتر وحید عیدگاه طربه، دکتر علی‌اکبر احمدی دارانی، دکتر یاسر دالوند، دکتر حمیدرضا سلمانی که به خواهش نگارنده کتاب سروده‌های رودکی، یادداشت‌های این متن را از نظر گذرانیدند و نکته‌های ارزشمندی را یادآور شدند سپاس بسیار دارم. همچنانکه از همکار این بنیاد خانم مریم صفرپور علیائی که در به سامان رسیدن این پژوهش از آغاز تا انجام کتاب همکاری پیوسته داشته‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

علی رواقی

۱۳۹۸ / ۱۱ / ۱۴

مقدمه

بی صد هزار مردم تنها بی بی صد هزار مردم تنها بی

بیتی که بر پیشانی این یادداشت نشسته سروده رودکی است که نزدیک به هزار و صد سال پیش توانسته است با احساس و دریافتی درست، تنها انسان را در همه روزگاران به سادگی بسراید. برداشت نگارنده با توجه به تنها و دشواری قافیه این است.^۱

هر وقت که این سروده ساده و کوتاه را می خوانم یا زمزمه می کنم دلم برای رودکی می سوزد. تجربه های تاریخی و اجتماعی او را بیش از پیش حس می کنم و می بینم که او هنوز هم پس از گذشت یازده قرن توانسته است هم زبان یا هم زبانانی پیدا کند که بتوانند گفته ها و سروده هایش را درست بخوانند و بهمند و معنی درستی از کاربردهای زبانی اش، در همین چند و چندین صد بیت بر جای مانده از او، به دست بدهنند. بارها با خود گفته ام اگر خدای نکرده! مجموعه سروده های رودکی، خواه صد هزار بیت یا به روایتی سیزده ره صد هزار بیت، ماندگار شده بود آن وقت چگونه می توانستیم دشواری ها و پیچیدگی های زبانی و بیانی پدر شعر فارسی را بشناسم و از معنای دقیق واژگان او آگاه شویم؟

با این همه جای بسیار دریغ است که شمار فراوانی از شعرهای این شاعر بزرگ از میان رفته است یا به دست تازیان و هم اندیشه گان اعراب تباش شده است و مشتاقان فرهنگ و ادب فارسی از خوانش مضامین گونه گون و زیبای این سراینده توانمند محروم مانده اند، و همین سبب شده است که ما گنجینه بزرگی از واژگان زبان فارسی و

زبان‌های ایرانی میانه شرقی بویژه زبان سغدی را از دست بدھیم، زبانی که در سده‌های سوم و چهارم هجری و پیش از آن و حتی در سده‌های پس از آن تا قرن هشتم، زبان گفتاری بیشترینه مردم ماوراءالنهر (فرارود) بوده است.

دفتر کوچک شعر رودکی افزون بر بیست و چند بار، به صورت‌های گونه‌گون، به چاپ رسیده و بسیاری از سروده‌های او به چندین زبان ترجمه شده است اما با تأسف باید گفت که در همه این چاپ‌ها، هنوز هم بدخوانی‌ها و کاستی‌ها و نادرستی‌های واژگانی و معنایی کم نیست. طبعاً برای هر خواننده آگاه این پرسش پیش می‌آید که این همه دشواری‌های زبانی که در شعر رودکی و دیگر سرایندگان و نویسندهای حوزه او، یعنی فرارودیان (مردم ماوراءالنهر) می‌بینیم از کجا سرچشمه گرفته است؟

می‌دانیم که از چندین سده پیش از آمدن اعراب به ایران، زبان سغدی، که یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است، زبان نوشتاری و گفتاری مردمان بخش‌های گستره‌ای از ماوراءالنهر، مانند بخارا، سمرقند، فرغانه و اسفنگ و ... بود. با از میان رفتن حکومت ساسانی، زبان فارسی میانه ساسانی، پهلوی، کمنگ شد و گونه‌ای از آن، یعنی فارسی دری، توانست در برخی از حوزه‌های جغرافیایی ایران آن روزگار جای زبان پهلوی را بگیرد، اما در حوزه فرارود (ماوراءالنهر) این چنین نشد و مردم آن سامان برای نگهداری و پایداری زبان و فرهنگ دیرینه خویش، که همان زبان و فرهنگ سغدی است، در ستیز و آویزهایی که با دشمنان ایران داشتند، از جان مایه گذاشتند تا دست کم در کنار زبان فارسی، از داشته‌های زبانی و فرهنگی خویش سود ببرند. از این روی، زبان‌گستره پهناوری از حوزه ماوراءالنهر، آمیزه‌ای شد از سغدی، فارسی، پهلوی با زبان و نگارش عربی که توانست در بلندای قرون‌ها، گونه زبانی کاربردی مردم آن سامان باشد، هم‌چنانکه تا این روزگار هم شماری از واژه‌های سغدی را در گونه فارسی فرارودی (ماوراءالنهری) می‌بینیم.^۲

جدا از آن گویش یعنابی که تنها گویش بازمانده از زبان سغدی است هنوز هم در درۀ زرافشان گویشورانی دارد که پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی و فرهنگی سغدی را در میان خویش زنده نگه داشته‌اند. می‌توان گفت آنچه خوانش سروده‌ها و نوشته‌های فرارودی

را برای ما دشوار کرده است اثربذیری‌های گسترده سرایندگان و نویسندهای فارودی و از آن میان رودکی، از واژگان و ساختار صرفی و نحوی زبان‌های ایرانی میانه شرقی، بویژه زبان سغدی است.

بسیاری از فرهنگ‌نگاران شمار فراوانی از واژه‌های سغدی کاربردی در متن‌های ماوراءالنهری را در فرهنگ‌نامه‌های خویش ضبط نکرده‌اند هم‌چنان‌که نویسندهای کتاب‌های سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات و برخی از کتاب‌های تاریخ زبان و شماری از ادبیان، کمتر به این نکته مهم زبان‌شنختی توجه کرده‌اند که گونه زبانی سرایندگان و نویسندهای ماوراءالنهری (فارودی) با زبان بسیاری از سرایندگان و نویسندهای خراسانی چون فردوسی، دقیقی و حتی اسدی ناهم‌خوانی‌های واژگانی، ساختاری و آوازی گسترده‌ای دارد؛ از این روی بی‌گمان می‌توان گفت بسیاری از کاربردهای فرهنگی این حوزه‌ها، ناهم‌گونی فراوانی با یکدیگر دارند، اما هیچ‌یک از محققان زبان و ادب فارسی و ادبیان تاکنون از ناهم‌خوانی‌های متن‌های حوزه‌های گسترده ادب فارسی، خواه نثر یا نظم، سخنی نگفته‌اند و مجموعه نوشته‌های حوزه خراسان بزرگ را در قالب یک گونه زبانی و یک سبک یعنی سبک خراسانی نام‌گذاری کرده‌اند بی‌آنکه از اختلاف‌های فراوان گونه‌ها و گویش‌های متفاوت کاربردی در این حوزه‌های جغرافیایی و دوره‌های تاریخی و متن‌های آنها سخنی به میان آورند.

در کتاب خرد بر سر جان که نامگانه شادروان استاد دکتر احمد علی رجائی بخارائی است مقاله‌ای دیدم با عنوان فرهنگ، زبان معیار و ادبیات فارسی، عنوان این نوشته مرا به خواندن آن برانگیخت. نویسنده دانشمند این مقاله در یادداشت خود این چنین نوشته‌اند:

«زبان شعر فارسی کم و بیش همان زبان رودکی و شاعران نیمة دوم قرن سوم و قرن چهارم است که با اندک نوسانات سبکی ناشی از تأثیر عوامل بافت موقعیت، تا عصر حاضر رسیده است؛ تا جایی که می‌توان گفت زبان معیار امروز چندان تفاوتی با زبان رودکی و بعد، زبان همه شاعران نام‌آور فارسی - غیر از قصاید درباری آنان یا قصایدی که به متابعت سنت و اظهار فضل و مهارت سروده‌اند - ندارد.» (خرد بر سر جان / ۴۶۲)

در ادامه این یادداشت چنین نوشته‌اند:

«به نظر می‌رسد میان سخنی که مثلاً رودکی و دیگر شاعران دوره سامانی به آن شعر سروده‌اند و زبانی که در عصر سامانیان مردم به آن سخن می‌گفته‌اند، تفاوت چندانی نباید وجود داشته باشد... بسیار محتمل می‌نماید که زبان نثر و بخصوص زبان شعر رودکی و شهید و ابوشکور بلخی و منجیک ترمذی و منطقی رازی و کسایی، همان زبانی بوده باشد که مردم و شاهان سامانی - که از میان مردم برخاسته بودند و هنوز طبقه اشرافی در میان آنان قوام نگرفته بود - با آن سخن می‌گفتند و این زبان گذشته از بعضی ویژگی‌های آوازی، بسیار نزدیک به زبان معیار امروز است». (مان / ۴۶۲ و ۴۶۳)

«در شعر رودکی چندان تفاوتی در زبان قصاید مدحی و شعرهای تغزلی و تعلیمی ملاحظه نمی‌کنیم. چون درباریان عهد سامانی که مخاطب قصاید مدحی‌اند، از میان مردم برخاسته‌اند و هنوز به یک طبقه اشرافی بدل نشده بودند که شاعران ملزم شوند با زبانی دیگر با آنها سخن بگویند». (مان / ۴۶۳)

خواندن این ارزیابی‌ها و داوری‌ها درباره زبان فارسی کاربردی در سروده‌های رودکی مرا سخت شگفتزده کرد به گونه‌ای که نتوانستم آن را ندیده انگارم و از ناهم‌خوانی گسترده گونه‌ها و گویش‌های زبانی کاربردی در شعر رودکی و دیگر شاعران سده‌های سوم و چهارم و ناهم‌خوانی‌های فراوان آنها با زبان معیار قدیم و امروز، سخنی نگویم.

درباره زبان رودکی می‌توان گفت زبانی را که او در قصاید و غزل‌ها و بعضی قطعه‌هایش به کار گرفته است، از مقوله زبان معیار و نوشتاری به شمار می‌آید و زبان مثنوی‌ها و تکبیت‌های او اثربرداری فراوانی از زبان حوزه زندگی رودکی بویژه زبان سعدی داشته است.

بسیاری از ترجمه - تفسیرهای قرآن، و شاید بتوان گفت همگی آن‌ها، و شماری از فرهنگ‌نامه‌های قرآنی و عربی - فارسی از گونه‌ها و گویش‌های گفتاری مردمان حوزه‌های جغرافیائی خود بهره برده‌اند، تا خواندن و دریافت مفهوم و معنای این نوشه‌ها را برای آن‌ها آسان کنند، هم چنانکه سرایندگان و نویسنده‌گان فارسی زبان نیز بر همین راه رفته‌اند.

نمونه هایی از این نوشه ها، از سده های چهارم تا هشتم، عبارتند از:

ترجمه تفسیر طبری از گونه ماوراء النهری (فرارودی)

بخشی از تفسیری کهن به زبان پارسی از گونه هروی

ترجمه قرآن قدس از گونه زبانی حوزه ای از سیستان قدیم

تفسیر سورآبادی که به گویشی از حوزه سورآباد که از نگاه واژگانی و ساختاری و آوائی با دیگر ترجمه - تفسیرها تفاوت های بسیاری دارد.

تفسیر ابوالفتوح رازی که اثر پذیری های بسیاری از گویش رازی - مرکزی دارد.

هم چنانکه برخی از فرهنگ نامه های قرآنی مانند لسان التنزیل و المستخلص که بی گمان در حوزه ماوراء النهر و به زبان مردم آن سامان نوشته شده اند.

با توجه به این گونه های زبانی متفاوت، اگر مثلاً به قرآن قدس که نمونه خوبی از زبان کاربردی حوزه ای از سیستان است و کتاب المصادر ابوبکر بستی و فرهنگ نامه عربی - فارسی مهدب الاسماء که در حوزه سیستان نوشته شده است، نگاهی بیندازیم، با تفاوت ها و ناهم خوانی های فراوان واژگانی و ساختاری و آوایی میان این متن ها و متن های حوزه ماوراء النهر در همین دوره تاریخی، رو به رو می شویم.

در خور گفتن است که زبان ادبی مردمان طوس و حوزه جغرافیایی خراسان امروز، تا آنجا که آگاهی داریم و سرودها و نوشه های آن حوزه ها نشان می دهند اثر پذیری چندانی از گویش ها و گونه های زبان های ایرانی میانه شرقی، همچون سغدی و بلخی و خوارزمی و... نداشته اند و حمامه سرایان بزرگ این حوزه بیشتر از گونه زبان نوشتار و معیار فارسی در سروده های حمامی بهره گرفته اند و حتی می توان گفت سرایندگان طوسی از واژگان محلی و گویشی حوزه زبانی خویش هم، در سروده های خود سودی نبرده اند تا خوانش حمامه های ملی ایران، برای همه فارسی زبانان ایران آن روزگار آسان باشد.

بایسته است بگوییم در میان سرایندگان و نویسنده های طوسی، اسدی طوسی به دلیل آگاهی گسترده از زبان های ایرانی میانه شرقی به ویژه زبان سغدی و بلخی در گرشاسب نامه، از واژه های این دو گونه زبانی ایرانی سود برده است.

می‌دانیم که رودکی و بسیاری از سرایندگان و نویسنده‌گان فرارودی، آگاهانه از دو گونه گفتاری و نوشتاری زبان فارسی بهره می‌گرفته‌اند، اما رودکی در قصیده‌هایش از واژه‌های گونه‌گفتاری نیاکان خویش، یعنی زبان سغدی، بهره‌ای نمی‌گیرد تا فارسی زیانان یا برخی از ممدوحان او که در دیگر حوزه‌های جغرافیائی ایران بزرگ می‌زیسته‌اند و زبان و واژگان سغدی را نمی‌شناخته‌اند، بتوانند این سروده‌ها را بخوانند و دریابند. از این روی رودکی در دیگر سروده‌هایش از جمله مثنوی کلیله و دمنه و سندبادنامه به هیچ روی از کاربرد واژه‌های سغدی پرهیز ندارد و در همین بیت‌های اندک از این منظومه‌ها و بیت‌های پراکنده‌اش واژه‌های سغدی بسیاری را می‌نشاند که هنوز هم شماری از آنها برای ما ناشناخته است.

پس چگونه است که نویسنده محترم مقاله فرهنگ، زبان معیار و ادبیات فارسی، دکتر پورنامداریان، گمان برده‌اند که زبان بیشتر سرایندگان ماوراءالنهری از جمله رودکی با زبان معیار سده‌های سوم و چهارم هجری تا امروز، قرن چهاردهم، یکسان است؟ با این‌که در متون فارسی در دسترس سده‌های سوم، چهارم و پنجم می‌توان چندین و چند گونه و گویش از زبان فارسی را نشان داد که هر یک از این گویش‌ها از نگاه واژگانی و ساختاری و آوازی ناهم‌خوانی‌های گسترده‌ای با یکدیگر دارند.

برای آگاهی از برخی از این تفاوت‌ها به مقاله‌هایی از نگارنده این یادداشت، درباره گونه ماوراءالنهری با عنوان گونه فارسی فرارودی با نگاهی به کتاب ارشاد^۳ و گونه هروی با عنوان گونه فارسی هروی با نگاهی به کلمات شیخ الاسلام در کتاب در هرگز و همیشه انسان^۴ بنگرید.

بهتر است که بیفزایم که گونه هروی تنها یکی از گونه‌ها و گویش‌های پرشمار کاربردی در حوزه خراسان است که در آن به گونه‌ها و گویش‌های زبانی دیگری مانند گویش زبانی آثار عطار که در حوزه نیشابور فراهم آمده یا گویش زبانی آثار شیخ جام که در تربت جام تألیف شده است یا گویش زبانی تفسیر سورآبادی که پس از ترجمه تفسیر طبری و تاج التراجم، از قدیم‌ترین و شناخته‌ترین ترجمه - تفسیرهای در دسترس است. می‌توان گفت زبان همگی آن‌ها از نگاه واژگانی و ساختاری و آوازی، ناهم‌خوانی‌های

فراوانی با یکدیگر دارند. این در حالی است که هنوز از گویش‌های زبانی کاربردی در تاج المصادر بیهقی و المصادر زوزنی سخنی نگفته‌ایم. اما خواندن و سنجش گویش‌های زبانی این متن‌ها، که تنها در حوزه‌ای نه چندان گسترده از سرزمین بزرگ خراسان نوشته و سروده شده‌اند، از میزان ناهم‌خوانی‌های بسیار آن‌ها سخن می‌گوید. در پایان درخور گفتن است اگر نویسنده ارجمند مقاله فرهنگ، زبان معیار و ادبیات فارسی نگرشی کوتاه به ناهم‌گونی‌های گسترده زبانی گویش‌ها و گونه‌های متفاوت سرایندگان سده‌های سوم تا پنجم می‌داشتند یا به ناهم‌خوانی‌های پرشمار ترجمه - تفسیرهای کهن حوزه‌های مختلف جغرافیایی عنایتی می‌کردند بی‌غمدان داوری و ارزیابی ایشان درباره زبان معیار یا گونه‌های نوشتاری و ادبی زبان فارسی تغییر می‌کرد و دگرگون می‌شد.

شاید همین ناهم‌گونی‌های زبانی، میان پارسی سرایان و فرارودیان (مردم ماوراءالنهر) سبب شده است که منوچهری این دوگانگی زبانی را، از روی ایهام به این سادگی و روانی بیان کند:^۵

یک مرغ سرود پارسی خواند

(دیوان / ۱۰۸)

باید بیفزایم که روند حرکتی که رودکی و دیگر سرایندگان و نویسندهای ماوراءالنهری (فارارودی) و حوزه‌های دیگری هم چون بلخ، ترمذ، مرو و ... در به کارگیری دوگونه گفتاری در کنار گونه نوشتاری، یعنی زبان معیار فارسی، در سده‌های سوم و چهارم آغاز کردند در سده‌های پنجم تا هشتم، در میان سرایندگان حوزه‌های شمال شرق، هم‌چنان ادامه یافت، تا جایی که می‌توان گفت تمامی شاعران و نویسندهایی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی بهره‌ور شده بودند، خواه فرارودیان و خواه دیگرانی که این سوی رود می‌زیستند، با سود جستن آگاهانه از گونه‌های گفتاری و نوشتاری یا آمیزه‌ای از این دو، توانستند بسیاری از واژه‌ها و ساختارهای زبان‌های ایرانی میانه شرقی را پایدار و ماندگار کنند. بلندا و اوج روند این حرکت را در سرودهای مولانا و خاندانش به گونه‌ای استوار می‌بینیم، هرچند پیش از

آنها، سوزنی سمرقندی، به دور از نقد و نگاه اخلاقی به سروده‌های او، در هزل‌های بی‌پرده و تند و گزندۀ خویش، گونه‌گفتاری و گونه فرهنگی قشرهایی از سمرقندیان آن روزگار را به خوبی نشان می‌دهد و در مدیحه‌هایش، بیشتر به گونه نوشتاری روی می‌آورد.

تنوع و گونه‌گونی مضمون‌ها و توانمندی‌های زبانی و بیانی رودکی، در همان شمار اندک شعرهای بر جای مانده از او، در سنجش با نمونه‌های شعر سرایندگان هم عصر و پس ازاو، از پیشینه و پشتوانه شعر و شاعری در فرارود (ماوراء النهر) حکایت می‌کند. این توشن و توان را می‌توان از سرایندگانی دانست که بیشتر از رودکی بوده‌اند و آثار آنها به دست ما نرسیده است و نیز بیشتر می‌تواند از سرچشمه‌های فرهنگی و ادبی زبان سعدی یا دیگر زبان‌های ایرانی میانهٔ شرقی سود برده باشد که چندین و چند قرن زبان ادب و فرهنگ چیره و حاکم بر ایرانی تباران سعد، سمرقند، بخارا و بخش‌هایی دیگر از فرارود بوده است.

در این پیش‌گفتار کوتاه کوشش بر این است تا معنای درست و دقیق برخی از دشواری‌های واژگانی و کاربردهای ناشتاخته پدر شعر فارسی را، با بهره‌وری از نوشه‌های کهن و قدیم فارسی روشن‌کنیم تا خوانندگان دیوان رودکی بویژه دانشجویان زبان و ادب فارسی بتوانند با پیش چشم داشتن نمونه‌های گوناگونی که از متون نظم و نثر سرایندگان هم عصر رودکی و سده‌های پس ازاوردیم، شعر اورآسان‌تر بخوانند و با شماری از دشواری‌های زبانی او بیشتر آشنا شوند.

پانوشت:

- ۱- شمس قیس رازی این تنهاei را این گونه دریافته است: با صدهزار مردم تو فردی (= یگانه‌ای) به هنر و دانش، در میان اپشان و بی صدهزار مردم تو بسیاری و گویی به جای صد هزار مردمی. (المعجم فی معايير اشعار العجم / ۴۷۵)
- ۲- نمونه‌های از کاربرد واژه‌های سعدی در زبان فارسی فرارودی:

حرف من تمام شد. به مقاله نقطه می‌گذارم. نقطه‌ای به حکم سر غوچ. به مثال قُرْغَاشِم گداخته.

(شعر غرق خون / ۲۱۸)

همه این را گذاریم و دختر بیچاره را جوانمرگ کرده، برآورده به بالای پلانج دهیم؟ (تار عنکبوت / ۱۳۰)

مادرش آستینچه به دست، راست استاده، آسونخه‌ها را پیش می‌زد. (هم کوه بلند / ۱۸۴)

سگ الغده شده، قفا می‌گشت و باز یکباره هجوم می‌آورد. (سنگ سپر / ۲۰۲)

هنوز زمین‌های پخته از خشاوه نه برآمده باشند هم در اینجا از گل برآمده به کورک بستن درآمده بودند. (دانونه / ۳۶۵)

خدا دسته دهد، صاحبِ یگان کار و گپ شود، به خدا با من چی کردنش را می‌داند. (در آزوی پدر / ۲۶۲)
رامیز تا تگ واش رفت و همان جا پهلوی حوض از آب قُبَر پرشده کتی بود و روی آن بیماری می‌خوابید. (اکیار / ۹۲)

در خانه هم از کجایی باشد، رنده و تیشه، آره و إسکنه‌های گوناگون کهنه ... پیدا می‌گردیدند.

(حکایه‌ها؛ محمدی اف، ج / ۱ / ۱۹۰)

ز گلرخسار پزمانت بکن یاد

گلی بینی اگر در پنجه باد

(گلرخسار / ۱۳۵)

۳- گونه‌شناسی متن‌های فارسی؛ گونه‌فارسی فارودی (ماوراء‌النهری) با نگاهی به کتاب ارشاد، علی رواقی، آینه میراث، سال سیزدهم، ضمیمه شماره ۳۹، تهران، ۱۳۹۴.

۴- گونه‌شناسی متن‌های فارسی؛ گونه‌فارسی هروی با نگاهی به کلمات شیخ‌الاسلام در کتاب در هرگز و همیشه انسان، علی رواقی، گزارش میراث، ضمیمه شماره ۴، ۱۳۹۵.

۵- بنگرید به نمونه‌های فراوان در کتاب زبان فارسی فارودی، (চস্চ يازده تا شانزده).

شیوه بُزوہش

تا امروز که این یادداشت نوشته می‌آید دیوان جداگانه‌ای از سروده‌های رودکی دست‌یاب نشده است. شادروان استاد سعید نقیسی در میانه سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۹، با بهره‌وری از شماری از متن‌های کهن و قدیم و بسیاری از تذکره‌ها و فرهنگ‌نامه‌های فارسی که در مجموع نزدیک به نواد متن است، سروده‌های رودکی را در کتابی به نام احوال و اشعار رودکی سمرقندی فراهم آوردند. این متن بن‌ماهی و دست‌مایه‌ای شد برای همه چاپ‌هایی که در ایران و تاجیکستان و مسکو از دیوان رودکی فراهم آمد. کتاب حاضر، سروده‌های رودکی، هم یکی از همین چاپ‌هاست. برای اینکه بتوانیم چاپ تازه دیوان رودکی را به آنچه رودکی سروده است نزدیکتر کنیم کوشیده‌ایم تا متن‌های نظم و نثر سده چهارم و پنجم را که در ماوراءالنهر نوشته شده‌اند بخوانیم تا به هم خوانی‌های واژگانی سرایندگان و نویسندهای آن‌ها با واژگان رودکی دسترسی پیدا کنیم. همچنین ضبط بیت‌های رودکی و شعرهایی را که به او نسبت داده‌اند را در برخی فرهنگ‌نامه‌ها و دیگر کتاب‌ها ببینیم و آنچه را محل اختلاف بوده باکوتاه‌نوشت آن کتاب در پاورقی بیاوریم.

فهرست و کوتاه‌نوشت نام کتابهایی که در تصحیح متن از آنها استفاده کردیم:

- | | |
|----------------------------|-----------------------|
| ۱- لغت فرس هورن: لف ۱ | ۷- فرنگ قواس: قو |
| ۲- لغت فرس اقبال: لف ۲ | ۸- فرنگ وفایی: وفا |
| ۳- لغت فرس مجتبایی: لف ۳ | ۹- تحفة الاحباب: تحفة |
| ۴- لغت فرس دبیرسیاقی: لف ۴ | ۱۰- مجمع الفرس: سرور |
| ۵- صحاح الفرس: صف | ۱۱- رشیدی: رشید |
| ۶- مجموعه الفرس: مج | ۱۲- جهانگیری: جها |

- | | |
|---|---|
| ۲۲- چهارمقاله
۲۳- زنگی نامه
۲۴- عرفاتالعاشقین: عرفات
۲۵- المختارات من الرسائل: المختارات
۲۶- حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر: حالات
۲۷- مرصادالعبداد: مرصاد
۲۸- اسرارالتوحید
۲۹- آتشکده آذر | ۱۳- لبابالالباب: لباب
۱۴- المعجم فی معايير اشعار العجم: المعجم
۱۵- شاعران بی دیوان: بی دیوان
۱۶- شاعران همعصر: همعصر
۱۷- اشعارپراکنده: پراکنده
۱۸- نزهت نامه
۱۹- تاریخ بیهقی
۲۰- تاریخ سیستان
۲۱- تاریخ سیستان عکسی (سنای ۱۶۶۱-۶۹۲) |
|---|---|

ناهم خوانی‌های فراوان گونه زبانی ماوراءالنهر (فرارود) که اثرپذیری گسترده‌ای از زبان سعدی و شاید برخی دیگر از زبان‌های ایرانی میانه شرقی داشته، بر دشواری زبانی رودکی و دیگر سرایندگان و نویسنندگان حوزه جغرافیائی و دوره تاریخی آنها افزوده است.

هم از این روی است که تاکنون هیچ یک از مصححان ارجمند دیوان رودکی و بسیاری دیگر سرودها و نوشته‌های ماوراءالنهری سده‌های چهارم و پنجم، به بهره‌وری این آثار از زبان‌های ایرانی میانه شرقی بویژه زبان سعدی اشاره‌ای نکرده‌اند. نگارنده این یادداشت که از سال‌های پیش، به دلیل پژوهش درباره زبان مردم تاجیکستان، که در سال ۱۳۸۱ صورت چاپ پذیرفت، دریافت‌بود متن‌هایی که در حوزه ماوراءالنهر نوشته شده‌اند و از گونه زبانی ماوراءالنهر (فرارود) بهره برده‌اند دربردارنده شماری از واژه‌های سعدی هستند، از این روی با بهره‌وری از فرهنگ توانست واژگان سعدی کاربردی در سرودهای رودکی را که در بیشتر متن‌های چاپی به گونه‌ای نادرست آمده است برای نخستین بار تصحیح و معنی‌گذاری کند تا خوانش شعرهای رودکی برای دوستداران این متن آسان‌تر شود.

هم‌چنان‌که شمار بسیاری از واژه‌های پهلوی (فارسی میانه) را با نمونه‌هایی از برگردان متن‌های پهلوی همراه و معنی کرده‌ایم. این نمونه‌ها تنها بخشی از تفاوت‌ها میان این چاپ از سروده‌های رودکی با متن‌های چاپی دیگر است.

پژوهش‌ها و کوشش‌های ما در شناخت واژگان متن‌های هم‌عصر رودکی و سده پنجم سبب شد تا بتوانیم برای پاره‌ای از نادرستی‌های چاپ‌های پیشین دیوان رودکی، به ضبط‌های بهتری دست پیدا کنیم و صورت درست این تعبیرها را در متن بیاوریم. فهرستی از این واژه‌ها را به همراه بیت‌هایشان در ادامه این یادداشت آورده‌ایم. در این چاپ از سروده‌های رودکی توانستیم برای شمار بسیاری از بیت‌های رودکی که در چاپ‌های دیگر معنی‌گذاری نشده بودند یا معنای درست و دقیقی نداشتند، معنای مناسبی به دست دهیم و در معنی‌گذاری‌ها از فرهنگ‌های لغتنامه دهخدا، فرهنگ سخن و فرهنگ معین بهره بردۀ‌ایم.

اما به گمان نگارنده بهترین و ارزشمندترین کاری که در این پژوهش انجام گرفت نمونه‌ها و شاهدهای فراوانی است که برای بسیاری از واژه‌های سروده‌های رودکی از متن‌های سده‌های مختلف فراهم آورده‌ایم تا خواننده با خوانش آن‌ها بتواند با واژه‌های رودکی خوگری بیشتری پیدا کند. همچنان که با بهره‌وری از گونه‌های زبان فارسی در ماواراء‌النهر (فرارود) و گونه فارسی افغانستان و گویش‌های امروزین زبان فارسی، شاهدها و مثال‌هایی را برای نشان دادن گسترۀ کاربردی واژگان آورده‌ایم. شماری از واژه‌هایی که ضبط آن‌ها تغییر کرده است:

فاخته‌گون شد هوا ز گردش خورشید

جامه خانه تبتک فاخته‌گون آب (ب ۵۴۷)

دیگر چاپ‌ها: به تبتک، به تبت.

نیک او را فسانه‌وار شنو بد او را کمرت سخت بتنج (ب ۷۹)
دیگر چاپ‌ها: فسانه‌واری شو، فسانه‌دارو شد.

نشست و سخن را همی خاش زد
ز آب دهن گوه را شاش زد (ب) (۸۵۷)
دیگر چاپ‌ها: کوه.

دل گسته داری از بانگ بلند
رنجگی باشدت و آوار گزند (ب) (۷۴۲)
دیگر چاپ‌ها: رنجکی - آواز / آزار.

کار همه راست شد چنانک بباید
حاله شادی است، شاد باشی، شاید (ب) (۱۷۴)
دیگر چاپ‌ها: حال.

رگ که با پیشیاز بنمایی
دل تو خوش کند به خوش گفتار (ب) (۱۹۹)
دیگر چاپ‌ها: اندشار، پیشیار، پیش یار.

چون فراز آمد بدرو آغار مرگ
دیدنش بیگار گرداند و مجرگ (ب) (۷۵)

دیگر چاپ‌ها: آغاز.

من چنین زار از آن چماش شدم
همچو آتش میان داش شدم (ب) (۸۸۹)
دیگر چاپ‌ها: جماش، جمالش.
پنهان شود بدرو در سرخاره (ب) (۶۷۷)
جعدی سیاه دارد کز گشته
دیگر چاپ‌ها: کشی.

واری مرا بدان که فراز آیم
زیرِ دو زلفکانت پچخیزم (ب) (۱۰۵۰)
دیگر چاپ‌ها: بنخچیزم.